

## موعود در قرآن و ادیان بودایی

آمنه شاهنده\*

### چکیده

بدون شک باور و عقیده به ظهور یک مصلح و موعود جهانی که روزی به اذن خداوند متعال خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، همواره در بیشتر فرهنگ ها و ادیان مختلف جهان بشریت وجود داشته است که با عناوین مختلفی مانند سوشیانس، مسیح<sup>۱</sup>، ویشنو<sup>۲</sup>، مهدی(ع)<sup>۳</sup> و غیره مطرح شده است.

ذات و نهاد بشریت طبق فطرت خود تمایل دارند که روزی فرارسد که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری آسمانی و الهی و با تایید و عنایت خداوند از ظلم و جور و ستم ظالمان و ستمگران رهایی یافته، و آشوب ها و بحران هایی که امنیت و آرامش جهان و به تبع آن، آرامش انسان را به هم زده اند، پایان پذیرد. در مناطق مختلفی از کره زمین نیز اعتقادات و باورهایی در این باره دارند که روزی منجی و موعودی خواهد آمد و بر علیه بی عدالتی ها و جنایت های ضد انسانی قیام خواهد کرد و پایه و اساس حکومت عدل جهانی را بر اساس آزادی و عدالت واقعی کلمه

\* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

بنیان خواهد نهاد.

با این اوصاف در این مقاله سعی داریم به تبیین و معرفی موعود منتظر در دین اسلام و ادیان و آئین های مختلف زرتشتی<sup>۴</sup>، کنفوسیوس، تائو<sup>۵</sup>، هندو و بودا و شناخت و بیان وجوه اتحاد و افتراق این اسطوره ها و نمادهای صلح و امنیت و آرامش و عدالت در باورهای گوناگون پردازیم.

کلید واژه ها: موعود، سوشیانس، ویشنو، میتریه.<sup>۶</sup>

#### مقدمه

مسأله عقیده به ظهور مصلحی جهانی در پایان دنیا امری عمومی و همگانی است و اختصاص به هیچ قوم و ملت و منطقه ای خاص ندارد. سرمنشأ این اعتقاد کهن و ریشه دار علاوه بر اشتیاق و تمایل درونی و میل باطنی هر انسان - که به طور طبیعی خواهان حکومت حق و عدل و برقراری نظام صلح و امنیت در سرتاسر جهان است - نویدهای بی شائبه پیامبران الهی در تاریخ بشریت به مردم مؤمن و آزادی خواه جهان است. تمامی پیامبران بزرگ الهی در دوران مأموریت خود به عنوان جزئی از رسالت و مأموریت خویش، به مردم وعده داده اند که در آخرالزمان و در پایان روزگار دنیا، یک مصلح بزرگ جهانی ظهور خواهد نمود و مردمان جهان را از ظلم و ستم ستمگران نجات خواهد داد و فساد، بی دینی و بی عدالتی را در تمام جهان ریشه کن خواهد ساخت و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف مانند: مصر باستان، هند، چین، ایران و یونان و نگرش به افسانه های دیگر اقوام مختلف بشری این حقیقت را به خوبی روشن و مسلم می سازد که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف آراء عقاید و اندیشه های متضادی که با یکدیگر دارند، در انتظار مصلح موعود جهانی به سر می برند. موعودگرایی و مهدویت، بخش مهمی از خواسته های بشری است که انسان ها با داشتن ادیان و مذاهب مختلف، رو به سوی آن دارند؛ مهدویت و موعود، تبلور الهامی فطری است که مردم از دریچه آن، علی رغم دیدگاه های مختلف و نگرش های متفاوت عقیدتی، در انتظار روز موعود به سر می برند، روزی که پیغام ها و رسالت های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق می یابد و مسیر ناهمواری که در طول تاریخ برای انسان

دشوار بود، پس از رنج و تلاش بسیار، هموار می شود.

### موعود یا منجی

منجی در لغت به معنای نجات دهنده، مصلح اجتماعی و موعود است.<sup>۷</sup> و در اصطلاح به شخصی گفته می شود که در دوره آخرالزمان و پایان جهان ظهور کرده و جهان را از ظلم و ستم و حق کشی ها و مصائب رهانیده و پر از عدل و داد می کند. از طرفی به کلیه مکاتب و نحله های فکری که شاخصه اصلی و محوریت اساسی آن، باور داشتن و اعتقاد به ظهور رهاننده و یک منجی آخرالزمانی باشد، مهدویت می گویند. گفتنی است که هر فرد یا گروهی که در وضعیت اسف بار و مشکلاتی گرفتار شده باشد چشم به راه آمدن فردی است تا بتواند وی را از مصائب و سختی ها و مشکلات رها کند و مسیر هدایت و نور را برایش هموار گرداند.

منجی گرایی و موعود باوری مشمول گذر زمان و مکان نبوده و به هیچ قوم و قبیله و شهر یا کشور و منطقه خاصی ارتباط ندارد. لذا همه افراد طبق فطرت و نهاد و ذات پاک وجودی خود، منتظر روزی هستند که به اذن خداوند متعال فردی آمده و جهان بشریت را از ظلم و جور ستم نجات دهد.

### موعود در اقوام و ملل مختلف دنیا

منجی موعود و نجات بخش در نزد اقوام و ملل مختلف با آیین ها و فرهنگ های کاملاً متفاوت، به اشکال و صور گوناگون و متنوعی مطرح شده است؛ اما گفتنی است که همگی تقریباً در یک نکته متفق القول هستند که، نجات بخشی خواهد آمد و آنان را از یوغ بندگی جباران و ستمکاران و حاکمان زورگور رهانیده، جامعه ای پر از عدل و داد به وجود خواهد آورد. هندوها انتظار دهمین تجلی ویشنو یا کالکی را دارند؛ بودایی ها ظهور بودای پنجم را منتظرند؛ یهودیان به جز مسیح - ماشیح -<sup>۸</sup> نجات دهنده ای نمی شناسند؛ مسیحیان، فارقلیط<sup>۹</sup> را می طلبند که عیسی مسیح مژده آمدنش را داده است؛ و بالاخره مسلمانان که قائل به ظهور حضرت مهدی(ع) و منتظر ایشان هستند.

البته چنین اندیشه ای مختص مکاتب و ادیان مذکور نیست، بلکه چنین روایاتی در

اشکال مختلف، از قصص مذهبی گرفته تا اساطیر و افسانه‌ها، در میان همه اقوام و ملل متمدن و غیرمتمدن جهان و حتی قبایل بدوی وجود داشته و دارد. مثلاً ژرمن‌ها<sup>۱۰</sup> معتقد بودند که فاتحی از طوایف آنان قیام نماید و نژاد ژرمن را در جهان برتری بخشد. نژاد اسلاو بر این باور بودند که از مشرق زمین، یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و بر دنیا مسلط گرداند. اهالی یوگسلاوی - صربستان - نیز در سرودهای حماسی خویش از شخصی به نام - مارکو کرایه ویچ - نام می‌برند و انتظار ظهور وی را دارند.<sup>۱۱</sup> ساکنان جزایر انگلستان از دیرباز منتظر ظهور «آرتور» اند<sup>۱۲</sup> که در جزیره «آوالون» سکونت دارد. بنابر عقیده ایشان وی روزی ظاهر می‌شود و نژاد «ساکسون»<sup>۱۳</sup> را در دنیا غالب می‌گرداند و سیادت جهان، نصیب آن‌ها می‌گردد<sup>۱۴</sup>. اندیشه موعود در میان قبایل بدوی و تمدن‌های امریکای میانه نیز به صورت‌های متنوع و جالبی وجود دارد. بنابر باور اکثر آنها، شخصیت‌های اسطوره‌ای ایشان که بعضاً تا مقام خدایی نیز ارتقا یافته‌اند، همان‌گونه که به طور ناگهانی و اسرار آمیزی ناپدید شدند، دوباره روزی مراجعت می‌کنند و باعث نجات مردم و سامان بخشیدن به اوضاع جامعه خویش خواهند شد. مثلاً در میان سرخپوستان آمریکای میانی، آزتک‌ها<sup>۱۵</sup> از «کتسال کوآتل» و تولتک‌ها<sup>۱۶</sup> از «سه آکاتل توپلتسین» و مایاها از «کوکولکان» در اساطیر خویش یاد می‌کنند که احتمالاً منشأ هر سه یکی است.

بنابر روایات «سه آکاتل توپلتسین»؛ شاهزاده مایا، بزرگ‌ترین شخصیت اسطوره‌ای آمریکای کهن است که در سال ۹۷۷ م. به تخت نشست و باعث شکوفایی تولان شد، ولی در مدتی کوتاه به دلایل دینی، دشمنانش وی را طرد کردند و او با پیروانش به ساحل خلیج یوکاتان رفت. چند سالی نزد قوم مایا ماند و در سال ۹۹۹ به روایتی، هنگام مراجعت مُرد و به روایتی دیگر، غیب شد. چنان‌که در افسانه‌ها آمده، سه آکاتل به هنگام ترک مردمش بر کلکی از مارهای به هم تابیده سوار شد و رفت و قول داد که روزی از سمت طلوع خورشید باز گردد. تاریخ آن را نیز معین کرد. این تاریخ با سال ۱۵۱۹ - سال ورود اسپانیایی‌ها - به سرزمین آزتک مطابقت دارد. روایت‌ها در این مورد بسیار متفاوتند.

بنا به روایتی، سه آکاتل که سرخپوستان وی را پاپا می‌نامیدند، به هنگام ترک سرزمین و مردمانش، ورود دسته‌ای از بیگانگان را از جانب مشرق پیشگویی کرد و به آنان گفت که

چهارمین یا پنجمین نسل با بیگانگان روبرو خواهند شد، و آن‌ها سرخپوستان را برده خویش خواهند کرد، درست همان طور که اکنون آن‌ها با او چنین رفتاری می‌کنند و وی به جهت اذیت و آزار مردان اهریمن صفت، مجبور به ترک آنجاست. سپس روگرداند و رفت. مردم تولا آنچه را وی گفته بود در کتاب‌های خویش تصویر کردند و منتظر حوادث ماندند. وی از شهرها و تپه‌ها گذشت و بر هر یک نامی نهاد. بسیاری از مردم نیز به دنبالش روان شدند. بعضی گفته‌اند: تپه‌ای را گشود؛ به درون آن رفت و ناپدید شد. بعضی دیگر گفته‌اند: ردای خویش را بر دریا گسترده؛ علامتی روی آن کشید؛ سپس بر روی آن نشست؛ به دریا زد و از نظرها ناپدید گشت<sup>۱۷</sup>. «اینکاه»<sup>۱۸</sup> نیز از ایزدی آفریننده موسوم به «ویراکوچا»<sup>۱۹</sup> نام می‌برند و معتقدند پس از آن که کار آفرینش به دست وی پایان گرفت، دستورهایی برای مردمش بر جای گذاشت، و قبل از آن که در آسمان ناپدید شود، قول داد که روزی مراجعت خواهد کرد.<sup>۲۰</sup>

در ادبیات متأخر سرخپوستی، به چهره دیگری به نام «اینکاری» برمی‌خوریم که در اساطیر پیش‌تر از او به مثابه «پسر خورشید» و «زنی وحشی» یاد می‌شود؛ اما او یک خدای سرخپوستی نیست، بلکه خاطره‌ای کمرنگ از پادشاهی باستانی است که پس از سالیان دراز انتظار، زنده می‌شود تا حقوق از دست رفته سرخپوستان را باز پس گیرد<sup>۲۱</sup>. بومیان جزیره «هاوایی» نیز در افسانه‌های خود از پهلوانی اسطوره‌ای به نام «رواو» یاد می‌کنند. وی بنا بر افسانه‌ها، روزی به طور ناگهانی سوار بر زورقی شد و در دل دریا گم شد؛ اما پیش از آن که برود، وعده داد که دوباره روزی سوار بر یک پرنده غول‌آسا باز خواهد گشت.<sup>۲۲</sup>

ساکنان جزایر ملانئید، واقع در جنوب اقیانوس آرام، در این باره افسانه‌ای دارند مبنی بر این که در زمان‌های دور، پادشاه یک سرزمین ناشناس - که امریکا نام داشت - به دیدار آن‌ها آمده بود. نام این خدا «جان فرام» بود، که به آن‌ها قول داد در روزی از روزها، با پنجاه هزار تن از پیروان آسمانی اش از دهانه آتشفشان «مازور» بیرون آید و زندگی فقیرانه بومیان را بهبود بخشد و برای آن‌ها خوشبختی به ارمغان آورد. ولی بومیان می‌گویند این خدا فقط در صورتی نزد آن‌ها باز خواهد گشت که آن‌ها سنت‌ها را زنده نگاه داشته و خدایان را پرستش کنند.<sup>۲۳</sup>

در فرهنگ عامه مسلمانان خاصه شیعه، اصطلاح آخرالزمان حکایت از عصری می‌کند که مهدی موعود<sup>(ع)</sup> در آن ظهور می‌کند و تحولات ویژه‌ای در جهان رخ می‌دهد. در روایت‌های مسلمانان، برای این عصر مشخصه‌های ویژه‌ای - به نام نشانه‌های آخرالزمان - نقل شده است.

گلدزیهر<sup>۲۴</sup>، خاور شناس و یهودی متعصب، درباره جهانی بودن مسأله انتظار و عمومیت انتظار اقوام مختلف برای ظهور یک منجی بزرگ؛ می‌گوید: اعتقاد به بازگشت و ظهور - منجی موعود - اختصاص به اسلام ندارد... پندارهای مشابهی را می‌توان در میان اقوام دیگری نیز، به فراوانی یافت.

عقیده به ظهور یک مصلح بزرگ جهانی، در نزد بسیاری از جوامع قدیمی دیده می‌شود. این عقیده که در واقع همان - انتظار فرج - مسلمانان است، دارای ابعاد گوناگون فلسفی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی است که در زمینه آن، صاحبان ادیان و مذاهب، فیلسوفان و جامعه شناسان، روانکاوان و روانشناسان و طرفداران احزاب و مکاتب، بحث بسیار کرده‌اند. و از این رو مسلمانان، از همه مذاهب مختلفش، در انتظار ظهور حضرت مهدی<sup>(ع)</sup> و بازگشت حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> است که حکومت عدل واقعی را در آخرالزمان در سراسر جهان از کران تا کران بنیان نهند.<sup>۲۵</sup>

### منجی و موعود منتظر در ادیان مختلف

#### آموزه منجی موعود در آئین زرتشتی:

۱. سیری کوتاه در آئین زرتشتی: بنابر گواهی تاریخی، زرتشت<sup>۲۶</sup> قدیمترین پیامبر آریایی است. افلاطون<sup>۲۷</sup> - ۴۲۸ - ۳۴۸ ق.م - در کتابش برای نخستین بار از او نام برده است و برخی از دانشمندان زمان قدیم نیز در آثار خود مفصلاً از وی یاد کرده‌اند و او را شش هزار سال پیش از افلاطون دانسته‌اند. سخنی که اکثر محققان با آن موافقت آن است که این پیغمبر در ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد ظهور کرده است. نام این پیامبر در اوستا<sup>۲۸</sup> «زره توشتره»<sup>۲۹</sup> آمده که به معنای - صاحب شتر زرد - یا - اشتر نیرومند - است و او را از خانواده «اسپیتمه»<sup>۳۰</sup> یا «اسپیتمان»<sup>۳۱</sup> یعنی: خاندان سپید دانسته‌اند. زرتشت به خدای یکتایی قائل شد که او را اهورا مزدا<sup>۳۲</sup> یعنی دانای توانا می‌خواند.

آیات قرآن و امام زمان (ع)

وی جهان را به دو قسمت متمایز تقسیم کرد. اصل و ریشه یکی از آنها را که منشا همه خیرها و خوبی ها بود، «اسپنته مینو»<sup>۳۳</sup> به معنای: مقدس می دانست و اصل دیگر را که همه زشتی ها و بدی ها و تاریکی ها از آن صادر شده بود، «انگره مینو» به معنای: پلید و ناپاک، نام نهاد. بنابر این روشنایی ها، نور، زیبایی، آتش، نیکی و راستی و همه خوبی های جهان از معنای نیک پدید آمده بودند. تاریکی، زشتی و جانوران زیان رساننده و مردم غیر آریایی و بیماری ها و رنج ها و دیوانه ها و مرگ و همه بدی ها از معنا و اصل بدی یا اهریمن-شیطان-زاییده شده بودند. از این جهت است که زرتشتیان قدیم را ثنوی؛ یعنی: قائل به دو اصل نیکی و بدی دانسته اند<sup>۳۴</sup>. در آئین زرتشتی، به مسأله انتظار و ظهور، اهمیت خاصی داده شده است. چنان که از متون زرتشتی چنین بر می آید که بشارت ها و نکته هایی که به مسأله ظهور منجی می پردازند، نشانه هایی را مطرح می کنند که همان نشانه ها به نوعی کانون تفکرات منجی گرایانه در شیعه بوده، و نشانه ها و مصادیق شناخت منجی را که در مکتب شیعه بدان پرداخته شده است را به خوبی تقویت می کند.

۲. موعود و منجی گرایی در کهن نامه های زرتشتی: در آثار و کتب زرتشتیان، پیرامون آخرالزمان، و ظهور موعود، مطالب بسیاری آمده است. که هر یک از آن ها - منجیان - به فاصله هزار سال از دیگری ظهور خواهد کرد<sup>۳۵</sup>. در کتاب «زند و هومن» نیز «سین» از ظهور منجی بزرگ «سوشیانس» خبر داده و درباره نشانه های ظهورش می گوید: که پس از جنگ های نه هزار ساله اهریمنان و ایزدان که با پیروزی نسبی اهریمن همراه است، لطف اهورا مزدا شامل ایزدان شده و به پیروزی نهایی بر اهریمنان نائل می گردند و عالم به سعادت واقعی خواهد رسید و انسان بر تخت خوشبختی تکیه خواهد زد.<sup>۳۶</sup>

بر اساس آموزه های اوستایی، این منجیان یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد و آنان به ترتیب ذیل می آیند:

«هوشیدر» ۱۰۰۰ سال پس از زرتشت، «اهورا مزدا» عالم فروهر، یعنی: عالم روحانی را بیافرید، که عصر مینوی جهان بوده است.

در هزاره دوم، «هوشیدرماه» از روی صور عالم روحانی، جهان جسمانی خلقت یافت. در این دوره، امور جهان و زندگی مردمان فارغ از گزند و آسیب و بلا بود و به همین جهت، عصر طلایی تاریخ دین مزدیسنان نامیده می شود.

در هزاره سوم، «سوشیانس» دوران شهریاران و خلقت بشر و طغیان و تسلط اهریمن است. به موجب روایات زرتشتی و بنا به یشت نوزدهم، در آخرالزمان از زرتشت سه پسر متولد می شود که با نام عمومی سوشیانس خوانده می شود. این نام به خصوص برای تعیین آخرین موعود تخصیص و او آخرین مخلوق اهورامزدا خواهد بود. کلمه «سوشیانس» که از ریشه «سو» به معنای: سود و سودمند است.

سوشیانس یا سوشیانت «موعود نجات دهنده یا سود رساننده» موعود کلی زرتشتیان از فرزندان زرتشت که در آغاز رستاخیز متولد می شود و مردگان را آماده حیات ابدی که سراسر پاکی و نور است می کند. در آئین زرتشتی سه سوشیانس وجود دارد که هر یک به فاصله هزار سال ظهور می کند. فروهر نیک و توانای پارسایان، نطفه زرتشت را در دریاچه هامون پاسبانی می کنند، زیرا نطفه زرتشت به فرشته آب «ناهید» سپرده شده است. در آغاز هزاره یازدهم، دوشیزه ای در آب هامون به نطفه «اوشیدر» آبستن می شود و علامت ظهور او توقف خورشید به مدت ده شبانه روز در وسط آسمان و نورپاشی بر هفت کشور است. در آغاز هزاره دوازدهم، دوشیزه دیگری تن خود را در دریاچه شسته و به «هوشیدر» آبستن می شود. علامت ظهور او توقف بیست روزه خورشید در وسط آسمان است. در آخر هزاره دوازدهم به همان ترتیب سوشیانس آخرین آفریده اهورامزدا، به جهان می آید. در سن سی سالگی، امانت رسالت مزدیسنا<sup>۳۷</sup> به وی واگذار می شود و با ظهور او، اهریمن، نیست و نابود می گردد.<sup>۳۸</sup>

«کیخسرو، گیو، گودرز، پشوتن و گرشاسب» که بنا بر اعتقاد زرتشتیان از جاودانان هستند، روز واپسین برخوانند خواست سوشیانس را در کار نوسازی جهان حمایت و یاری خواهند کرد و از پرتو فرّ ایزدی که با آنان است، دروغ رخت بر بسته، زندگی جاودان و معنوی آغاز خواهد شد. انسان ها بعد از برانگیخته شدن و پاک شدن از گناه و پلیدی، فنا ناپذیر خواهند شد. سوشیانس برای این کار گاوی را قربانی می کند و از چربی او، عصاره «هوما» را به دست می آورد و با چشاندن آن به مردم، آنان را جاودانی می نماید. پیران به سن ۴۰ سالگی و کودکان به هیئت و شکل ۱۵ سالگی برمی گردند و سرانجام اهریمن شکست می خورد. و سرور و خوشی به جهان هدیه می شود.<sup>۳۹</sup>

در جاماسب نامه آمده است: «سوشیانس» نجات دهنده بزرگ؛ پس از ظهور، دین



را به جهان رواج خواهد داد. فقر و تنگدستی ریشه کن کرده و ایزدان را از دست اهریمن نجات داده و مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار می گرداند.

چنانکه آمده است: سوشیانت مزَیستنان، به منزله کریشنای<sup>۴۰</sup> برهمنان، بودای پنجم بودائیان و مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان، و مهدی<sup>(ع)</sup> مسلمانان است.<sup>۴۱</sup> سید بن طاووس<sup>۴۲</sup> در کتاب خویش از قول أبومشعر می گوید: جاماسب<sup>۴۳</sup> و زرتشت هزار سال قبل از بعثت پیغمبر<sup>(ص)</sup> حکم کرده اند که طالع قرآن، نشان می دهند؛ که شریعت رسول الله<sup>(ص)</sup> تا روز قیامت باقی خواهد بود. و گفته اند: در ابتدای موت او سلطنت از دست اصحابش خواهد رفت و بعد از پانصد سال به آنها مراجعت می کند و طالبین بر عالم مستولی می شوند و عدل و انصاف را ظاهر می کنند.<sup>۴۴</sup>

در کتاب جاماسب - شاگرد زرتشت و برادر گشتاسب بن لهراسب - در مورد موعود منتظر چنین آمده است: مردی بیرون آید از زمین از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سرو بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش با سپاه بسیار رو به ایران نهد و آباد کند و زمین پر از داد کند در زمان وی باشد که گرگ با میش آب خورد.<sup>۴۵</sup>

در کتاب «زند» از کتاب های مذهبی زرتشتیان چنین آمده است: آنگاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود، و اهریمنان را منقرض می سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارد و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست<sup>۴۶</sup>. سوشیانس - نجات دهنده بزرگ - پس از ظهور، دین را به جهان رواج خواهد داد. فقر و تنگدستی را ریشه کن کرده و ایزدان را از دست اهریمن نجات داده و مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار می گرداند.

در کتاب «گاتها»<sup>۴۷</sup> که بخشی از اوستای زرتشتیان است، جملاتی ناظر به مهدی موعود آمده است از جمله تحت عنوان با مداد روز می گوید: ای مزدا بامداد روز فراز آید، جهان را دین راستین فراگیرد با آموزش های افزایش بخش پرخرد، رهانندگان کیانند آنان که بهمن به یاریشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من ترا برگزیدم ...<sup>۴۸</sup>

زرتشتیان، کیومرث<sup>۴۹</sup>، پادشاه پیشدادی را نخستین آفریده خدا می داند و سوشیانس سوم را که آخرین پسر زرتشت است - از نژاد زرتشت - آخرین آفریده خداوند می پندارد و

فاصله پیدایش کیومرث تا آخرالزمان را دوازده هزار سال دانسته اند، که در آغاز هر یک از هزاره های یازدهمین، دو تن از پسران زرتشت ظهور خواهد کرد و در آخر دوازدهمین هزاره، پسر سومی زرتشت، یعنی: سوشیانس پدید گشته، جهانی را نو خواهد نمود.<sup>۵۰</sup> گفتنی است که در آئین زرتشتی، به مساله انتظار و ظهور، اهمیت خاصی داده شده است. از سویی دیگر از متون زرتشتی چنین بر می آید که بشارت ها و نکته هایی که به مساله ظهور منجی می پردازند، نشانه هایی را مطرح می کنند، که همان نشانه ها به نوعی کانون تفکرات منجی گرایانه در شیعه بوده، و نشانه ها و مصادیق شناخت منجی را که در مکتب شیعه بدان پرداخته شده است را به خوبی تقویت می کند. ارتباط درهم تنیده پیشگوئی های زرتشتی و نشانه های روشن و گویایی که از منجی ارائه می دهد، از حقیقتی حکایت می کند که تا حدود قابل توجهی از خطرات انحراف و پیامدهای مغرضانه مصون مانده است، که با تعابیر خاصی از ظهور نجات بخشی واحد با آرمان های مشترک بین الادیانی حکایت دارد.

#### آموزه موعود در آئین کنفوسیوس:

آئین کنفوسیوس فلسفه ای مبتنی بر اندیشه های کنفوسیوس فیلسوف گرانقدر و معلم اخلاق چینی است. این آئین فلسفه اجتماع و اخلاق و آداب و رسوم اخلاقی را آموزش می دهد و بر توانایی ها و ویژگی های انتزاعی خاصی مانند محبت، صلح، هماهنگی، نظم انسانیت، خرد، شجاعت و وفاداری مبتنی است. اگرچه هیچ خدای شخصی در آن وجود ندارد، آسمان والاترین مقامی است که انسان می تواند به آن نایل شود. انسان با کسب فضائلی همچون اشتیاق، علم، صبر و اخلاق و با پروراندن شخصیتش بر مبنای هماهنگی بین انسان و عالم به این مقام کامل دست یابد.

آئین کنفوسیوس همچنین تعلیم می دهد که فرد نه تنها باید خود را پرورش دهد، بلکه باید زندگی دیگر انسان ها را نیز به کمال برساند. این امر اساسا از این اصل استخراج می شود که انسان موجودی اجتماعی است. کنفوسیوسیان اعتقاد دارند که صلح و صفای دل فرد از او به خانواده و از خانواده به کشور که به عنوان خانواده بزرگ تلقی می شود، و از کشور به کل جهان منتشر می شود.<sup>۵۱</sup> کنفوسیوس شعار بازگشت به عصر فرزانه شاهان باستان را سرلوحه اندیشه های اصلاحی خویش قرار داده بود. برقراری حکومتی همچون

حکومت پادشاهان باستان و نظامی بر پایه قانون و حکمت، آرمان اصلی وی بود. کنفوسیوس به چیزی که هماهنگی بزرگ می‌نامید می‌اندیشید. گویا بر این باور بود که زمانی چنین یگانگی و هماهنگی میان آسمان و زمین و همه چیزها تحقق داشته است و می‌توان باز هم چشم به راهش بود و برای تحقق آن کوشید.

کنفوسیوس معتقد است که هرگاه پادشاه حقیقی - موعود منتظر- بیاید، در یک نسل خیر و خوبی عالم گیر می‌شود.

آموزه موعود در آئین تائو:

دین تائو<sup>۵۲</sup> قبل از این که عنوان دین داشته باشد، فلسفه متافیزیک به شمار می‌رود.<sup>۵۳</sup>

بر اساس اعتقادات آئین تائو، «لی هونگ»<sup>۵۴</sup> در آخرالزمان ظهور خواهد کرد تا جهانی نو برپا کند که در آن زمان، برگزیدگان تحت حکومت قدیس آخرالزمان زندگی کنند. گفتنی است که منظور از قدیس آخرالزمان مصداق روشنی از نوید آمدن شخصی کمال یافته و کمال بخش است که کمال معنوی و تعالی سیاسی و اجتماعی را با هم فراهم می‌آورد.

ماجرای موعود باوری در آئین تائو بعدها گسترش بیشتری یافت. در دوره خاندان «تانگ»<sup>۵۵</sup> اندیشه منجی و موعود به همراه رهبانیت و انزوا طلبی توسعه یافت. البته منجی‌گری و موعود باوری و آرمان‌گرایی که در بسیاری از موارد متفق بودند، هر دو خصوصیت سیاسی داشتند که با بن‌مایه‌های فرهنگی قوت گرفت. شاهد دیگری بر موعود باوری عمیق آئین تائو، ظهور و بروز جریان پیامبران دروغین و مدعیان نجاتگری در تاریخ تحولات آن آئین است.

می‌توان گفت منظور از موعود در این آئین، نجات بخشی جمعی است که رهایی و کمال اجتماعی و معنوی را با هم نوید می‌دهد. در این آئین خصیصه قوم‌گرایی قابل تمییز نیست بلکه جهان‌شمولی آن قابل تایید و تشخیص است.

منجی موعود در آیین هندو:

در اندیشه و آیین هندو، موعود نجات بخش موسوم به «کالکی» در پایان آخرین دوره زمانی از ادوار چهارگانه جهانی، یعنی: «کالی یوگه» ظهور خواهد کرد.<sup>۵۶</sup>

بنابر تفکر هندویی، جهان از چهار دوره رو به انحطاط تشکیل شده است. در چهارمین دوره، یعنی عصر کالکی، ظلم و فساد و تباهی سراسر جهان را فرا می‌گیرد. ناشایستگان بر جان و مال مردم مسلط می‌شوند، دروغ و دزدی و رشوه سایه شوم و سیاه خود را بر جامعه می‌گسترانند، زندگانی اجتماعی و معنوی به نازل ترین حد خود نزول می‌کند و موجبات زوال نهایی را فراهم می‌سازد.<sup>۵۷</sup> در این عصر؛ کالکی یوگه یا دوره انحطاط - که بنابر باورهای هندویی از نیمه شب بین ۱۷ و ۱۸ ماه فوریه سال ۳۱۰۲ قبل از میلاد مسیح شروع گردیده، و ما اکنون در آن به سر می‌بریم - فقط به یک چهارم درمه - دین یا نظم کیهانی - عمل می‌شود و سه چهارم به فراموشی سپرده شده است. مردمان این دوره گناهکار، ستیزه جو و چون گدایان، بد اقبال و سزاوار اقبالی نیستند. چیزهای بی ارزش را ارج می‌نهند، آزمندانه می‌خورند و در شهرهایی زندگی می‌کنند که پر از دزدان است.<sup>۵۸</sup> در پایان چنین دوران سیاهی، آخرین و دهمین تجلی، «ویشنو» موسوم به کالکی، سوار بر اسبی سفید و به هیأت انسان ظهور خواهد کرد.

بعضی بر این اعتقادند که ویشنو یکی از خدایان «ریگ ودا» است که می‌توانسته با برداشتن سه گام تمام عالم را بپیماید.<sup>۵۹</sup>

ویشنو منشا خیرات و برکات و مظهر کامل مهر و محبت و لطف است و او از فراز آسمان، مراقب اعمال مخلوقات است و هر جا که ملاحظه کند شیئی عزیز در خطر و یا نفسی شریف در مهلکه است، وی قوه و نیروی خود را به کار می‌برد تا او را یاری نماید. برای ویشنو ده تجلی قائل شده اند که آخرین تجلی آن به صورت بودا است که شارع و بانی شریعت بودایی در جهان می‌باشد. او مانند مسیح(ع) برای نجات عالم می‌آید و شمشیری از شعله آتش در دست دارد و بر پشت اسبی سفید سوار است و می‌آید تا حق را برقرار و باطل را محو و نابود سازد.<sup>۶۰</sup>

وی سراسر جهان را سواره و با شمشیری آخته و رخشان در می‌نوردد تا بدی و فساد را نابود کند. با نابود کردن جهان، شرایط برای آفرینشی نو مهیا می‌شود تا در مهیوگای آتی، دیگر بار عدالت و فضیلت ارزش یابند.<sup>۶۱</sup>

در میان اقوام مغول، تا امروز - ۱۹۱۰ م - این عقیده شایع است که «چنگیزخان» پیش از مرگ خود، وعده کرده است که در هشت یا نه قرن دیگر از نو، باز در زمین ظاهر

خواهد شد و مغولان را از زیر یوغ «چینیان» نجات خواهد داد. در میان اقوام شرقی و غربی، حتی در میان سرخ پوستان آمریکا، پندارهای مشابهی درباره بازگشت یا ظهور «منجی موعود» پدید آمده است.<sup>۶۲</sup>

کالکی در آئینه آئین ها و اعتقادات هندوان انعکاسی قوی دارد. تصاویر و تماثیل او با هیبت مردی سوار بر اسب سفید و شمشیری برکشیده در دست در جای جای نماد نگاری هندویی یافت می شود.

لذا با این اوصاف و تعبیر گفتنی است که موعود هندو، موعودی «شخصی» و دارای «جنبه الهی» است. به لحاظ کارکرد، به نجات دادن جمع می اندیشد و رسالتی معنوی اجتماعی را به عهده دارد. از این لحاظ، و به لحاظ ویژگی های ظاهری و شخصیتی، شباهت عجیبی به موعود اسلامی دارد. اندیشه موعود در آئین هندو به هیچ روی «قوم مدار» نیست، و به رغم ظاهر نژادپرستانه دین هندو، کاملاً جهان شمول است.

#### منجی موعود در آیین بودا:

اندیشه تشکیل جامعه ای عاری از ظلم و ستم و تبعیض که در آن معیارهای عالی معنوی و انسانی یا به عبارتی دموکراسی واقعی حاکم باشد، از دیرباز در ذهن بشر از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده و هست. از زمانی که افلاطون در آرای خویش مدینه فاضله را عنوان می کند، تا قرن ها بعد که این اندیشه به صورت «یوتوپیا»<sup>۶۳</sup> یا شهر آرمانی در آثار نویسندگان و فلاسفه تجلی می نماید<sup>۶۴</sup>، می توان جلوه های گوناگونی از چنین تفکری را باز یافت. به عبارتی، می توان به جرأت اذعان نمود بشر از آن هنگام که ابتدایی ترین جوامع را تشکیل داد، همواره در درون خویش آرزومند جامعه ای آرمانی و به تبع آن شخصیتی بوده که بتواند چنین جامعه ای را تشکیل دهد. این شخص در حقیقت همان منجی موعود است که در ادیان و فرهنگ های اقوام و ملل مختلف با تلقی ها و نگرش های گوناگون و به صورت های متنوعی معرفی شده است.

در آیین بودا، اندیشه منجی موعود با مفهوم «میتریه»<sup>۶۵</sup> واژه ای سانسکریت به معنای مهربان، تبیین می گردد.

در کیش میترایزم، اسطوره شام آخر وجود دارد، میترا بعد از صرف شام مقدس با پیروان خود به آسمان صعود می کند. او به هنگام رستاخیز به عنوان یک ناجی یا موعود به

زمین باز می گردد. میترا در آسمان هادی ارواح مؤمنان است. ۶۶

در الهیات بودایی، میترا را بودای پنجم و آخرین بودا از بودایان زمینی می دانند که هنوز نیامده است، اما خواهد آمد تا همه انسان ها را نجات دهد. در نماد نگاری بودایی، او را به هیأت مردی نشسته که آماده برخاستن است، نمایش می دهند تا نمادی باشد از آمادگی وی برای قیام. روایات بودایی درباره شخصیت و چگونگی ظهور آخرین بودا یا منجی موعود؛ یعنی کسی که خواهد آمد تا همگان را مژده رهایی داده و آن ها را از چرخه آهنگین رجعت های مداوم به عالم نجات دهد، همداستان نیستند. در سنت مهاییانه که یکی از دو سنت یا مذهب اصلی بودایی است، توجه بیش تری به شخصیت میتریه شده است. ۶۷

میترا پرستان معتقدند هنگامی که جهان به پایان رسد، جسم نیز در سعادت ابدی سهیم است به همان گونه که روح از آن بهره می برد به عقیده آنان پس از آن زمان، دور خود را طی کرده، همه مردگان را برمی انگیزد. نیکان را بی مرگ و جاودان می کند اما بدکاران به همراه اهریمن در آتش نابود می شوند. ۶۸

بدین سان منجی موعود بودایی، نجاتبخشی فردی را به عهده دارد و اهداف و کارهای اجتماعی، مورد توجه او نیست. لذا شاید بتوان نجاتبخشی موعود بودایی را از نوع فردی تلقی کرد. او موعودی شخصی و دارای خصایص «بشری-الوهی» است.

#### موعود و منجی باوری در اسلام:

اعتقاد به منجی و انتظار ظهور او در ادیان و مسلک های مختلف وجود دارد. در دین مبین اسلام به شکل های مختلفی لزوم وجود یک منجی معین که در آخرالزمان به امر خداوند خواهد آمد، تاکید شده است. همه مسلمان ها معتقدند که منجی آخرالزمان، با نام مبارک مهدی (ع) است که آن امام همام از نسل پیامبر بزرگوار اسلام متولد شده و در پس پرده غیبت به امر خداوند متعال به سر می برد و زنده است و روزی به اذن خدا ظهور خواهد کرد.

برخی بر این باورند که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ع) در ابتدای اسلام نبوده و بعدها در نیمه دوم قرن اول هجری میان مسلمانان رواج پیدا کرد. عده ای نیز محمد بن حنفیه، فرزند امام علی بن ابی طالب (ع) را مهدی نامیده و وقتی که مُرد، گفته شد که نمرده

است و در کوهی زندگی می کند و روزی بیرون خواهد آمد و دین اسلام به دست او شکوهمندتر از همیشه می شود. عده ای دیگر نیز معتقدند که اعتقاد به مهدی (ع) از ابتدای اسلام در میان مسلمانان رواج داشت. گفته شده است که پیامبر اکرم (ص) بارها از وجود مبارک ایشان خبر داد و گاه و بیگاه از دولت مهدی (ع) و آثار و علائم و نام و کنیه ایشان سخن گفته است.

در سوره مبارکه حج آمده است: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (الحج، ۲۲/۴۱). امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه می فرماید: «این آیه درباره مهدی آل محمد (ص) و اصحاب اوست. خداوند آنها را مالک شرق و غرب زمین قرار می دهد و به وسیله مهدی (ع)، دین را آشکار می کند و خداوند به وسیله مهدی (ع) و اصحابش بدعت ها و باطل ها را می میراند، همچنان که سفیهان، حق را می راندند. دیگر اثری از ظلم و جور باقی نخواهد ماند. آنان به معروف و نیکوکاری امر می کنند و از منکر و زشت کاری نهی می کنند و پایان کارها از آن خداست».

امام باقر (ع) در تفسیر آیه ۴۱ سوره شوری: «وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ» می فرماید: «او قائم است، هنگامی که قیام کند، بر بنی امیه و بر تکذیب کنندگان بر ناصبان پیروز خواهد شد».

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «سوگند به خداوندی که مرا مبعوث کرده، اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند، تا فرزندم «مهدی» خروج کند. پس روح الله عیسی (ع) از آسمان نزول کند و پشت سر مهدی (ع) نماز بخواند و زمین به نور الهی، درخشندگی یابد و حکومتش، شرق و غرب فراگیرد».

أبو الجحاف روایت کرده که پیامبر اکرم (ص) سه بار فرمود: «بشارت باد شما را به مهدی (ع)، در هنگام پراکندگی مردم و وقوع گرفتاری های سخت، ظاهر می شود و زمین پر از ظلم و ستم را از عدل و داد پر می کند. دل های پیروانش را سرشار از عبادت نموده، عدلش همه را فرا می گیرد».<sup>۶۹</sup>

شیخ حر عاملی نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «رستخیز برپا نمی شود تا قائم بر حق ما قیام کند. هنگامی نهضت می کند که خدا اذنش دهد پس هر که از وی پیروی کند، نجات یابد و هر که تخلف کند هلاک گردد. ای بندگان خدا، خدا را در نظر

داشته باشید و هنگامی که مهدی (ع) ظاهر گشت به هر طور که ممکن شد به سویش بشتابید اگرچه بر روی برف حرکت نمایید. زیرا او خلیفه خدا و جانشین من است».<sup>۷۰</sup>

امام رضا (ع) می فرماید: «پنجمین فرزند امام هفتم، موسی بن جعفر (ع)، مهدی (ع) است. اما خودش غائب می شود و نام بردنش برایتان جایز نیست». امام موسی بن جعفر (ع) می فرماید: «آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می نماید، و از عدل و داد پر می کند، پنجمین فرزند من است». امام محمدتقی (ع) فرمود: «قائم ما، همان مهدی موعود است که در زمان غیبت باید در انتظارش بود و در زمان انتظار باید اطاعتش نمود. خداوند متعال، کارش را شبی اصلاح می نماید چنان که امر کلیم خود موسی (ع) را در شبی اصلاح فرمود، موسی (ع) رفت تا برای همسرش آتش بیاورد، اما با منصب پیغمبری و رسالت برگشت، سپس فرمود: انتظار فرج، بهترین عمل شیعیان ماست».<sup>۷۱</sup>

### نتیجه گیری

در دوره معاصر، اوضاع و شرایط دنیا و انسان ها پر از آشوب و اضطراب است و از طرفی ما شاهد دو جنگ جهانی اول و دوم بوده ایم. پس از آن نیز جنگ سرد و مسابقات تسلیحاتی میان شرق و غرب و بحران های سلاح های کشتار جمعی و هسته ای و شیمیایی، روح انسان را خسته و فرسوده کرده است. آغاز هزاره جدید و آشوب های ناشی از صهیونیست های جهانی در جای جای دنیا ناشی از ناکارآمدی و بی کفایتی ایدئولوژی های غربی در حل و فصل معضلات جامعه، بستر مراجعه به آثاری را فراهم آورده است که با اتکاء به دریافت های قدیسان، پیشگویان در عرصه، تصویری از آینده جهان و سرنوشت انسان دارند. لازمه تمامی این مسائل، توجه انسان به آخرالزمان و علائم و نشانه های آن، نگاهی امیدوارانه به یک منجی و موعود و مصلح جهانی را فراهم می آورد.

برخی به ظاهر روشنفکران و افرادی که دغدغه سلامت بشریت را در ذهن می پروراند، برای حل و فصل برخی بحران های اجتماعی و جهانی برآمده، اما هر قدر تلاش بیشتر می کنند، نتیجه عکس می گیرند. اما در جهان مسمانان ناامیدی و یاس جایگاهی ندارد. آنان احکام و قوانین بشری را برای اداره و اصلاح جهان کافی می دانند و



بر این باورند که قوانین و دستورات جامع و متین دین مبین اسلام که از سرچشمه وحی نشأت گرفته است، برای علاج بحران های جهانی چاره ساز می دانند. تامین سعادت دنیوی و اخروی بشر را تنها از طریق تمسک به وحی و سرچشمه های وحی الهی قابل تعیین می دانند. آنان دوران درخشان و مطلوبی را پیش بینی می کنند که آدمی به حد کمال رسیده که زمام امور جهان به دست امام معصومی می افتد که از هرگونه خطا و لغزش مصون است. مسلمانان با توجه به اصل امیدواری و رجاء به خداوند، عصر درخشان حکومت الهی و توحیدی را تجسم کرده و در انتظار مهدی موعود خداوند به سر می برند و خودشان را برای چنین انقلاب جهانی آماده می کنند.

۱. لقب حضرت عیسی (ع).
۲. یکی از خدایان هندو که او را محافظ عالم و آمر کائنات وسطی بر بریتانیا حکومت می کرد.
۳. می دانند و به صورت بتی که چهار دست دارد مجسم می سازند و اعتقاد به موعود بودن او دارند.
۴. هدایت شده و ارشاد شده. کسی که خداوند او را به سوی حق هدایت کرده، موعود منتظر جهان اسلام.
۵. پیرو زرتشت. دین زرتشت. مذهبی که زرتشت پیامبر باستانی در حدود قرن هفتم قبل از میلاد مسیح آورد.
۶. آئین مهر پرستی.
۷. لغت نامه دهخدا، ۱۳/ ۱۰۹۸۳.
۸. منجی قوم یهود.
۹. لغت سریانی است که ریشه یونانی آن «پریکلیتوس» است.
۱۰. نام قومی از نژاد سفید از شعبه: «آرین» شامل آلمانیها.
۱۱. آئین گنوسی و مانوی: «ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور»/ ۷۸. ۲۵. روزگار رهائی، ۱/ ۵۹.
۱۲. پادشاه عادل و افسانه ای که در دوره ای نامعلوم از قرون قومی از نژاد ژرمنی که معروف به خشونت و شجاعت هستند.
۱۳. ادیان و مکتب های فلسفی هند «شایگان»/ ۱۰۴.
۱۴. قومی از سرخپوستان آمریکایی.
۱۵. همان.
۱۶. اساطیر هند «ترجمه: باجلان فرخی»/ ۵۸.
۱۷. اینکا؛ یعنی: خدا در زمین. برگرفته از زبان بومیان کشور پرو در آمریکای جنوبی. سرخپوستان آمریکای جنوبی.
۱۸. خدای خالق بزرگ در اعتقادات اینکاها که روزی بر خواهد گشت.
۱۹. اسطوره آفرینش در آئین مانوی «ابوالقاسم اسماعیل پور»/ ۸۲.
۲۰. اسطوره بازگشت جاودانه «بهمن سرکاراتی»/ ۹۶.
۲۱. انتظار مسیحا در آئین یهود «حسین توفیقی»/ ۱۲۵.
۲۲. او خواهد آمد «الهامی - علی اکبر مهدی پور»/ ۵۴.
۲۳. خاورشناس مشهور مجارستانی، و یهودی زاده که مطالعات اسلامی دارد.
۲۴. روزگار رهائی، ۱/ ۵۹.

۲۶. پیامبر آریایی در قرن هفت قبل از میلاد مسیح .
۲۷. دومین فیلسوف از فیلسوفان بزرگ سه گانه یونانی - سقراط، افلاطون و ارسطو - است .
۲۸. کتاب مقدس زرتشتیان شامل پنج قسمت : یسنا، ویسپرد، یشت ها، وندیداد، خرده اوستا .
۲۹. زرتشت کنونی .
۳۰. خاندان زرتشت .
۳۱. همان .
۳۲. خدای یکتا در اصطلاح زرتشتیان .
۳۳. مقدس .
۳۴. خلاصه ادیان در دنیای بزرگ / ۹۵- ۹۷ .
۳۵. او خواهد آمد / ۱۰۸ و ۱۲۲ .
۳۶. جاماسب نامه / ۱۳۱ .
۳۷. آئین و کیش مزدپرستی .
۳۸. فرهنگ اساطیر «یاحقی» / ۲۶۰ .
۳۹. همان .
۴۰. به معنای جذاب متعال . خدا و موعود در هند .
۴۱. بشارت های کتب مقدس درباره محمد (ص) و اهل بیت (ع) / ۲۰۱ .
۴۲. ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی معروف به سید بن طاووس و سید فرزند ابوابراهیم متولد حله . به باور شیعیان جهان اسلام در زمان غیبت کبری، با حضرت مهدی (ع) دیدار کرده است «متوفی ۶۶۴ ه» .
۴۳. فردی حکیم و فرزانه و ستاره شناس وزیر گشتاسب شاه که پیشگویی هایی به او نسبت داده شده است .
۴۴. ملاحم الفتن / ۱۹۷ .
۴۵. بشارت عهدین / ۲۵۸ .
۴۶. مهدی موعود / ۳۳۵ .
۴۷. کهن ترین و مقدس ترین قسمت اوستا . سرودهای زرتشت .
۴۸. گاتها / ۹۸ .
۴۹. پادشاه عادل زرتشتیان .
۵۰. تاریخ و شناخت ادیان، ۲ / ۲۱۴ .
۵۱. گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان چینی «رستمیان» / فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز / ش ۱۲ / ۱۳۸۳ .
۵۲. مذهبی در چین که پیروان زیادی دارد .
۵۳. آشنایی با ادیان چین و ژاپن / ۳۳ .
۵۴. موعود منتظر آئین تائو .
۵۵. بنیانگذار و پادشاه .
۵۶. در جستجوی افسانه های قدیمی «ترجمه: رادان» / ۱۶۵ .
۵۷. دین ایرانی بر پایه متن های معتبر یونانی «ترجمه: سرکاراتی» / ۸۵ .
۵۸. دین و اسطوره در آمریکای وسطی «کندری» / ۱۸۷ .
۵۹. ادیان و مکتب های فلسفی، ۱ / ۲۶۱ .
۶۰. تاریخ جامع ادیان «ترجمه: حکمت» / ۲۸۳ .
۶۱. رساله سوشیانس «پور داود» / ۲۶۵ .
۶۲. او خواهد آمد / ۳۰-۳۱ .
۶۳. مدینه فاضله .
۶۴. آیین بودا «ترجمه: پاشایی» / ۱۷۸ .
۶۵. آئین مهر پرستی .
۶۶. اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان / ۹۲ .
۶۷. فرهنگ نامهای اوستا، ۲ / ۱۵ .
۶۸. آفرینش و مرگ در اساطیر / ۲۸۹ .
۶۹. بحار الأنوار، ۵۱ / ۷۴ .
۷۰. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ۶ / ۳۸۲ .
۷۱. دادگستر جهان «امینی» / ۵۸ .